

شیخ مرتضی انصاری (شیخ اعظم)

وجود شریفش از نسل جابر بن عبدالله انصاری بود...



نسب شیخ مرتضی انصاری به جابر بن عبدالله انصاری، از صحابه بزرگوار رسول خدا (ص) می رسد. ایشان در دزفول متولد شده و تا ۲۰ سالگی نزد پدر خود تحصیل کرده، و آنگاه همراه پدر به عتبات رفته است و علمای وقت که نبوغ خارق العاده او را مشاهده کردند، از پدر خواستند که او را برنگرداند. او در عراق چهار سال توقف کرد و از محضر اساتید بزرگ استفاده کرد آنگاه در اثر یک سلسله حوادث ناگوار، به وطن خویش بازگشت. شیخ بعد از دو سال، بار دیگر به عراق رفت و دو سال تحصیل کرد و به ایران مراجعت نمود و تصمیم گرفت از محضر علمای بلاد ایران استفاده کند؛ لذا عازم زیارت مشهد شد و در کاشان با حاج ملا احمد نراقی، صاحب مستند الشیعه، و صاحب معراج السعاده، فرزند ملا مهدی نراقی ملاقات کرد و آنگاه به مشهد رفت و پنج ماه توقف نمود.

شیخ انصاری سفری به اصفهان و سفری به بروجرد رفته و در همه سفرها، هدفش ملاقات اساتید و استفاده از محضر آنان بوده است. در حدود سالهای ۱۳۵۲ و ۱۳۵۳ برای آخرین بار به عتبات رفت و به کار تدریس پرداخت. بعد از صاحب جواهر مرجعیت عامه یافت.

شیخ انصاری را خاتم الفقها و المجتهدین لقب داده اند؛ او از کسانی است که در دقت و عمق نظر، بسیار کم نظیر است. علم اصول و بالتبع فقه را وارد مرحله جدیدی کرد؛ او در فقه و اصول ابتکاراتی دارد که بی سابقه است. دو کتاب معروف او، رسائل و مکاسب، کتاب درسی طلاب شده است. علما بعد از او شاگرد اویند. حواشی متعددی از طرف علمای بعد از او به کتابهای او زده شده است. بعد از محقق و علامه حلی و شهید اول، شیخ انصاری تنها کسی است که کتابهایش از طرف علمای بعد از خودش مرتب حاشیه خورده است.

دستخط مبارک شیخ انصاری، مشتمل بر اجازه اجتهاد و روایتی که به آیه الله میرزا داوود، نجل حاج میرزا اسدالله بروجردی داده اند و او را با القاب و عناوین فضل و کمال تعریف و توصیف نموده اند. [۱]

زندگینامه:

نام او شیخ مرتضی فرزند محمد امین بن شمس الدین بن احمد بن نورالدین بن محمد صادق شوشتری دزفولی، یکی از نامورترین و پرآوازه ترین فقها و مراجع عالیقدر تقلید در عصرهای اخیر، و یکی از محقق ترین چهره های علمی و فقهی قرون متاخر به شمار می آید.

نام پرشکوه شیخ مرتضی انصاری، توأم با نبوغ و ابتکار و تحول و دقت می باشد. او آغازگر و پایه گذار اصول نوینی در فقه و اصول جعفری است که در قرنهای اخیر به حق او را شایسته دریافت لقب خاتم الفقها و المجتهدین نموده است هر چند او در زندگی و حیات مادی و معنوی خویش پیراسته و منزله از هر نوع تظاهر و تفاخر بوده است و در تلاشهای علمی خود جز خدا و رضایت او و جز پیشبرد احکام الهی، فکر و اندیشه دیگری نداشته است و به تعبیر شاگرد نامدارش، مرحوم آیه الله حاج میرزا حبیب الله رشتی، او تالی تلو مقام عصمت در علوم و اصول بود. [۲]

نام مرحوم شیخ مرتضی با دو کتاب بسیار ارزنده: فرائد الاصول و مکاسب در اصول و فقه همراه است و با این دو اثر جاودان، نام خود را در پهنه معارف اصیل اسلام جاودانه کرده است. کتابهایی که هم اکنون در دنیای دانش و معارف اسلامی اعتبار جهانی دارد و حوزه های علمیه چندین سال با درس و بحث و تحقیق روی آن دو کتاب سرمایه گذاری نموده و وقت صرف می کنند.

ولادت:

او در هیجدهمین روز ماه ذیحجه به سال ۱۲۱۴، روز غدیر، روز اکمال دین و اتمام نعمت در شهر قهرمان پرور دزفول از سلاله پاک یکی از اخلاف جابر بن عبدالله انصاری صحابی نامدار پیامبر عالیقدر اسلام (ص) پا به عرصه وجود نهاد و به مناسبت تولد در روز ولادت علی (ع)، نام مرتضی انصاری، بر او انتخاب گردید.

پدرش شیخ محمد امین از مبلغین و مروجین شریعت مقدسه اسلام و مادرش دختر یکی از علمای محل و بانویی پرهیزکار و باتقوی در عصر خود، هر دو از اخبار و نیکان و صالحان بوده اند.

او در چنین خانواده ای چشم به جهان گشود و رشد و بالندگی آغاز نمود و از همان دوران کودکی به فراگرفتن قرآن و معارف اسلامی پرداخت و به زودی آثار نبوغ و ذکاوت در او مشاهده گردید؛ پس از خواندن قرآن و ادبیات عرب به خواندن فقه و اصول پرداخت و در این دو رشته، آن چنان استعداد و شایستگی نشان داد که حیرت همگان را برانگیخت و در عنفوان جوانی به درجه عالی اجتهاد نائل آمد.

مقام علمی:

مقام علمی او در حدی است که به حق و شایستگی تمام، او را خاتم الفقها و پایان دهنده و تکمیل کننده فقاقت لقب داده اند و او یک صد و پنجاه سال تمام است که بر جهان فقه و اصول و حوزه های علمی شیعه حکومت و زعامت روحی و فکری دارد و اندیشه ها و ابتکارات او سرفصل تاریخ، در فقه به شمار آمده و مستند فقها است.

او نظریات ابتکاری و ابداعی بی شماری در فقه و اصول به وجود آورد که می توان نظریه حاکم بودن یکی از ادله بر دلیلهای دیگر در مبحث تعادل و تراجیح راز نظریات مهم او به شمار آورد، و همچنین بها دادن شایسته به عقل و خرد در شناخت حکم و قانون اسلام، و دیگر مبارزه با اخباری گری رایج آن روز بود، که شیخ بزرگوار ما توانست با یک رشته از بیانات دقیق علمی در برابر آنها

بایستد و آنان را متقاعد سازد، این امر از امتیازات بارز او به شمار می آید. او کوشید که به منکرین اعتبار عقل در شناخت معارف و احکام اسلامی ثابت کند که ملازمه ای میان عقل و شرع وجود دارد و آنچه را که عقل حکم می کند، شرع نیز حکم می کند و حکومت این قاعده در اغلب فتاوی و نظریات مرحوم شیخ، جلوه خاصی داد، منتهی باید خود عقل و آن قاعده فقهی مورد ارزیابی قرار گیرد که عقل چگونه عقل باشد و قاعده نیز کدام قاعده باشد؟

او با این روش متین و مستحکم، اصول اخباری گری رایج آن روز را در هم کوبید و پایه ها و اصول مستحکمی برای فقه و اصول نوین بنیاد نهاد و مسیر اجتهاد را روشن و مبرهن نمود. او با این وسعت مشرب، باب اجتهاد و افتا و استخراج و استنباط احکام شرعی فرعی را از منابع و مصادر اولیه بازگشود و رمز پیشرفت و ترقی مسلمانان را در مسیر اجتهاد و اعتقاد بر خویش در راه عمل به احکام الهی قرار داد.

اخلاق و رفتار شیخ:

شیخ انصاری (ره) نه تنها در فقاہت گوی سبقت را از دیگران ربوده بود، بلکه در عمل نیز نظیر و همتا نداشت. او به مشکلات و امور مردم شخصا رسیدگی می کرد و از احوال طلاب و محصلین همواره جویا می شد و برای ترویج بیشتر از علوم دین، با بودن علما و طلاب در یکی از شهرستانها، اجازه نمی داد سهم امام را از آنجا به جای دیگری ببرند و سفارش می نمود که در همان شهر به مصرف محصلین و طلاب برسانند.

نقل شده است که:

شخصی خدمت شیخ رسید و به او گفت: فلان طلبه چای می خورد! (گویا در آن زمان چای به این صورت کنونی مرسوم نبوده و جز تشریفات به حساب می آمده است) و با این سخن می خواست سعایتی کرده باشد که شیخ حقوق آن طلبه را کم کند، ولی شیخ رو به او کرده و گفت: خدا رحمت کند که این مطلب را به من گفتی، و دستور داد تا اضافه بر ماهیانه آن طلبه، مخارج چای را نیز از ست المال به او بپردازد تا اینکه با راحتی و آسایش بیشتر به تحصیل خود ادامه دهد.

شیخ نه تنها به طلاب حوزه رسیدگی می کرد، بلکه همواره به فکر فقرا و مستمندان نیز بوده است، و شبها همانند رهبر و مولایش امیر المؤمنین (ع) به خانه های مسکونی فقرا سر می زد و مواد غذایی بر دوش گرفته، در بین خانواده های مستمند و بیچاره تقسیم و توزیع می نمود.

در کتاب لؤلؤ الصدق جنین آمده است:

و اغلب عطایای آن مرحوم در سربوده، کثیری از فقرا معاش (حقوق) معین داشتند که همیشه سالانه و ماهانه به آنان می رسید و هیچ نمی دانستند از کجاست در وقت سحر بر در خانه فقرا می رفت با لباس میدل، و صورت را ستر می کرد و به مقدار حاجت آنها مرحمت می فرمود و چون شیخ از دنیا رفت، معلوم شد آن مردی که بر درب منازل این مردم در اوقات غیرمتعارفه می آمده، آن مرحوم بوده است؛ او انصافا روی اسلام را سفید کرد.

نوشته اند که یکی از یاران شیخ، نسبت به این کار انسانی وی (کمک به فقرا و مستمندان) از او ستایش و تمجید کرد؛ شیخ در پاسخ گفت: این وسیله فخر و کرامتی نیست، زیرا وظیفه هر فرد معمولی است که امانت را به صاحبش برساند و این وجوه هم حقوق فقراست که به عنوان امانت نزد من می باشد و من به صاحبانش می رسانم.

حاشیه نویسان محقق:

در عظمت علمی و نبوغ فکری شیخ مرتضی انصاری (ره) همین قدر کافی است که اطلاع پیدا نمائیم تا کنون بیش از ۲۰۰ نفر از علما و فضلا و دانشمندان و معاریف رجال اسلامی بر کتب و نوشته های او حاشیه و تعلیقه نگاشته اند و کتابهای تالیفی او به کرات در ایران، عراق و دیگر کشورهای اسلامی مورد تجدید طبع قرار گرفته است، به حدی که هم اکنون مواد غذایی فکری طلاب و فضلالی حوزه های علمی و برخی از مجامع دانشگاهی و حقوقی را آثار او تشکیل می دهد و شخصیتهای بزرگی مانند: آخوند ملا محمد کاظم خراسانی (صاحب کفایة الاصول)، سید محمدکاظم یزدی (صاحب عروه)، حاج میرزا حبیب الله رشتی، میرزا حسن آشتیانی، شیخ محمد حسین کاشف الغطا، سید عبدالحسین شرف الدین، شیخ محمد جواد بلاغی، شیخ محمد حسن مامقانی و تعداد کثیری از علما و مجتهدین مبرز و نامدار که نام بردن آنها به درازا می کشد، بر آن حاشیه و تعلیقه دارند. آنان نوشته ها و تالیفات شیخ را اصل قرار داده و بر آن تعلیقه و تحشیه افروندند و نظریات او را مورد تجزیه و تحلیل و عمق نگری و ژرف انگاری قرار داده اند.

اساتید:

شیخ بزرگوار ما از محضر اساتید متعددی بهره جسته است که هر کدام نقش ویژه ای در اثرگذاری در روحیه او داشته اند که به بازگویی نام چند تن از آنان، می پردازیم:

۱- عموی بزرگوارش، آیه الله شیخ حسین انصاری (شاگرد صاحب ریاض، تا سن ۱۷ سالگی).

۲- آیه الله سید محمد مجاهد (از شاگردان آیه الله وحید بهبهانی) او در سن ۱۸ سالگی، دو سال تمام از محضر او بهره جسته است.

۳- آیه الله شریف العلما مازندرانی کسب فیض از محضر او استدامه داشته است.

۴- آیه الله ملا احمد نراقی (صاحب مستند الشیعه)، به مدت چهار سال تمام در کاشان.

۵- آیه الله شیخ موسی کاشف الغطا فقیه عصر و نابغه دهر، به مدت یک سال تمام.

۶- آیه الله شیخ علی کاشف الغطا، زعیم دین و مرجع عالیقدر شیعه، به مدت ۵ سال.

۷- آیه الله شیخ محمد حسن صاحب جواهر (مدت بسیار اندک محض تیمن و تبرک).

مجیزین شیخ:

تعدادی از اساتید عالیقدر این مجتهد مبتکر و توانمند در بالا ذکر شدند، تعدادی نیز اجازه روایتی یا اجتهادی به شیخ واگذار نموده اند که اسامی چند نفر از اجازه دهندگان به او، در اینجا ذکر می شود:

۱- آیه الله سید صدر الدین موسوی عامل، اجازه روایتی داده اند که در آن، کلمه افضل و اکمل قید شده بود.

۲- آیه الله عارف سترگ، ملا احمد نراقی، اجازه روایتی مبسوط عنایت کرده اند.

۳- آیه الله شیخ محمد سعید قرجه داغی، اجازه نامه روائی جامع و مبسوطی در حق او صادر نموده اند.

شاگردان:

در مکتب پر بار و حوزه پربرکت تدریسی شیخ بزرگوار، شاگردان متعددی تربیت یافتند که هر کدام از استوانه های فقهی، و مجتهدین مسلم، کاوشگر دقیق، و محقق ارزشمندی بوده اند، چو: محضر مبارک علم، او، مجتهد بیور محقق، ساز و ناندیشمندان ساز و ناندیشمندان بود.

شاگرد مستقیم شیخ بزرگوار در زمان حیات خویش بیش از هزار تن بوده است که از میان آنان شخصیتهای نامی برجسته ای برخاسته اند که هر کدام در یک صقع از اصقاع جهان اسلامی مشعل دار فقه و فقاہت و زعامت روحی و حامل میراث انبیا و رسولان بوده اند.

ما از تعداد کثیر این جمع، به ذکر اسامی چند تن از آنان، بسنده می نمائیم:

۱- آیه الله میرزا محمد حسین شبرازی، صاحب فتاوی، تحریم تنباکو.

۲- آیه الله شیخ جعفر شوشتری، خطیب توانا و کاتب یرکار و واعظ یرصلایت.

۳- آیه الله حاج میرزا حبیب الله رشتی، صاحب بدائع الافکار، و رساله اجاره و غصب.

۴- آیه الله سید حسین کوه کمری تبریزی، صاحب آثار و مثر فراوان و استاد بزرگ حوزه نجف.

- ۵ - آیه الله شیخ محمد حسین مامقان، صاحب ذرایع الاحکام فی شرح شرائع الاسلام و کتب دیگر.
- ۶ - آیه الله شیخ محمد کاظم خراسانی، صاحب کفایة الاصول، که در تحقیق و تدقیق کم نظیر است.
- ۷ - آیه الله حاج میرزا محمد حسین آشتیانی، نماینده تام الاختیار مراجع نجف در تحم ریم تنباکو در تهران.
- ۸ - آیه الله میرزا ابوالقاسم کلانتر، صاحب تقریرات استاد خود، شیخ انصاری.
- ۹ - آیه الله حاج شیخ هادی تهران، مجتهد و دارای تالیفات متعدد فقهی و تفسیری.
- ۱۰ - آیه الله ملا حسین قلبی همدانی، شاگرد شیخ و صاحب منظومه حاج ملا هادی سبزواری، عارف نامی.
- ۱۱ - آیه الله حاج میرزا حسین خلیلی تهران، مجتهد نامور و صاحب فتوای مشروطیت.
- ۱۲ - آیه الله شریانی، مجتهد معروف آذربایجان.
- ۱۳ - نابغه نامی، سید جمال الدین اسدآبادی، بنیان گذار وحدت مسلمین و مبارز نستوه بر علیه استعمار خارجی.

آثار و تالیفات:

آثار ارزنده و تالیفات گران سنگ و ارزشمندی از مرحوم آیه الله العظمی حاج شیخ مرتضی انصاری (ره) به یادگار مانده است که هر کدام نشانی از نبوغ، اجتهاد، دانش وسیع و تحقیق دقیق آن عالم ربانی می باشد ما در این بخش به صورت اجمال به بازگویی برخی از آنها می پردازیم؛ جا دارد نویسندگان و محققین حوزه علمیه و بنیان گذاران کنگره شیخ اعظم انصاری (ره) به تبیین و تحلیل آثار قلمی او نیز بنشینند و افکار نو و طرحهای ابتکاری شیخ را از لابلای این کتابها و رساله ها بیرون کشند و در اختیار حوزه های و دانشگاهها، کشور قرار دهند اینک لیست تالیفات آن بزرگوار:

- ۱ - المکاسب (فقه) شامل مکاسب محرمة، خیارات، و احکام عمومی معاملات.
- ۲ - فرائد الاصول (اصول) شامل مباحث الفاظ، امارات و اصول عملی این دو کتاب عالی ترین روشهای فقهی و اصولی را در اختیار پژوهندگان این دو علم قرار می دهد.
- ۳ - رساله ای در تقیه.
- ۴ - رساله ای در رضاء و نشر حرمت آن.
- ۵ - رساله ای در قضا مت.
- ۶ - رساله ای در مواضع و مضایقه.
- ۷ - رساله ای در عدالت.
- ۸ - رساله ای در مصاهره.
- ۹ - رساله ای در ملک اقرار.
- ۱۰ - رساله ای در تبیین قاعده لاضرر و لاضرار.
- ۱۱ - رساله ای در خمس.
- ۱۲ - رساله ای در زکات.
- ۱۳ - رساله ای در خلاصه صلوة.
- ۱۴ - رساله ای در ارث.
- ۱۵ - رساله ای در تیمم.
- ۱۶ - رساله ای در قاعده تسامح.
- ۱۷ - رساله ای در باب حجیت اخبار.
- ۱۸ - رساله ای در قرعه.
- ۱۹ - رساله ای در متعه.
- ۲۰ - رساله ای در تقلید.
- ۲۱ - رساله ای در قطع و جزم.
- ۲۲ - رساله ای در ظر.
- ۲۳ - رساله ای در اصالة البرائة.
- ۲۴ - رساله ای در مناسک حج.
- ۲۵ - حاشیه ای بر مبحث استصحاب.
- ۲۶ - حاشیه ای بر نجاه العباد (رساله عملیه).
- ۲۷ - کتابی در علم رجال (از وجیزه مجلسی بزرگتر است).
- ۲۸ - تالیفی در اصول الفقه.
- ۲۹ - حواشی بر عوائد نراقی.
- ۳۰ - حاشیه ای بر بغیة الطالب.
- ۳۱ - اثبات التسامح فی ادله السنن.
- ۳۲ - التعادل و الترجیح.
- ۳۳ - رساله ای در تقیه.
- ۳۴ - رساله ای در التیمم الاستدلالی.
- ۳۵ - رساله ای در خمس.

وفات:

سرانجام این رجل علم و فضیلت و شخصیت عالیقدر، در سن ۶۷ سالگی به سال ۱۲۸۱ (مضمون آیه شریفه ظهر الفساد ۱۲۸۱) در ۱۸ جمادی الثانی، با انبوهی از مفاخر و نوشته ها و ذخائر فکری و معنوی که عموماً در خدمت به اسلام بود، به دار باقی شتافت و جهان اسلام را در سوگ خود عزادار ساخت. هنگام مرگ، دارائی این زعیم عالیقدر اسلامی، معادل هفده تومان رایج آن روز بود که همار مقدار هم مقروض بوده است.

جسم مطهر و مقدسش در جوار قبر حضرت مولی الموحدین امیر المؤمنین علی (ع) دفن شد و وصی گرامی او، حاج سید علی شوشتری بنا به وصیت شیخ بر جنازه او نماز گزارد.

یادگیر:

۱. آشنایی با علوم اسلام، ج ۳، ص ۱۰۱-۱۰۲.
۲. شخصیت شیخ انصاری، به قلم نواده اش.

منبع: سایت اندیشه قم